

## مطالعه تطبیقی نمایندگی در امضای اسناد تجاری (برات، سفته و چک)

کمال نیک فرجام<sup>1</sup>

(تاریخ دریافت: 1392/02/10 - تاریخ تصویب: 1392/05/28)

### چکیده

با توجه به مواد 227 قانون تجارت و 19 قانون صدور چک در مورد امکان اعطای نمایندگی در صدور برات و چک همواره این سوال مطرح بوده است که اولاً آیا نمایندگی مزبور منحصر به امضای سند در زمان صدور می باشد و یا شامل مراحل دیگر از جمله ظهنویسی و ضمانت نیز می گردد. ثانیاً، آیا مسئولیت ناشی از امضای سند همواره متوجه اصیل است یا در مواردی نماینده امضاکننده سند مسئول و متعهد پرداخت شناخته می شود؟ علی‌رغم عدم وجود مقررات صریح در قوانین تجاری می توان با استمداد از سایر مقررات قانونی به‌ویژه قانون تجارت در باب اسناد تجاری و نیز مقررات پیمان‌های بین‌المللی ژنو و آنسیترا و حقوق برخی از کشورها مانند انگلیس و آمریکا به این نتایج دست یافت که اولاً، نمایندگی در امضا منحصر به مرحله صدور سند نیست و شامل عناوینی مانند ظهنویسی و ضمانت هم می گردد. ثانیاً، نمایندگی مزبور محدود به امضای برات و چک نیست بلکه نمایندگی در امضای سفته را نیز در بر می گیرد. ثالثاً، قاعده کلی در نمایندگی حکایت از مسئولیت اصیل دارد مگر در مواردی که نماینده ادعایی فاقد نمایندگی بوده و یا از حدود اختیار تجاوز کرده باشد و یا با وجود داشتن اختیار کافی در هنگام امضا به نمایندگی خود در سند تصریح ننموده و هویت منوب‌عنه را افشا نکرده باشد.

**واژگان کلیدی:** نمایندگی در امضا، اسناد تجاری، مسئولیت اصیل یا موکل، مسئولیت نماینده.

1- دکترای حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی (مریی) دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری.

## مقدمه

امروزه اسناد تجاری به معنی اخص یا اسناد براتی ابزار مهمی جهت تسهیل معاملات محسوب می‌شوند. اهمیت استفاده از این اسناد به امتیازاتی معطوف می‌گردد که دیگر اسناد عادی و تجاری فاقد آن هستند. نقش کاربردی برات، سفته و چک در معاملات داخلی و خارجی به عنوان جایگزینی برای پول، تحصیل اعتبار و نیز وسیله‌ای برای تضمین تعهدات مورد تأیید و تأکید قانونگذاران داخلی و بین‌المللی قرار گرفته است. به علاوه قابلیت انتقال اسناد مزبور از طریق ظهنویسی و حتی بدون آن و به صرف قبض و اقباض از دیگر امتیازات مربوط به حساب می‌آید؛ همچنان که حمایت از دارندگان سند در استفاده از مسئولیت تضامنی امضاکنندگان و اصل عدم تأثیر ایرادات و یا استقلال امضائات نیز به نوبه خود بر ویژگیها و امتیازات این اسناد افزوده است. البته روشن است که استفاده از امتیازات اسناد مورد بحث منوط به رعایت مقررات قانونی و از جمله شرایط صدور، معامله و اقامه دعوای مربوط به آنها است. در این بین تشریفات صدور و توجه به مندرجات سند و امضای آن از اهمیت خاصی برخوردار بوده و موجب اعتماد دارنده به ظاهر سند می‌گردد. بر این اساس مسئولیت امضاکنندگان نیز تحت عناوین مختلف صادرکننده، ظهنویس، ضامن و غیره مطرح و مورد توجه قرار می‌گیرد.

امضاهای متن و ظهر سند براتی چه به عنوان صدور، ظهنویسی و غیره ممکن است توسط نماینده و نه شخص اصیل انجام شود. این مسئله در حقوق ایران، انگلیس و برخی کشورهای دیگر مانند آمریکا و نیز کنواسیون‌های ژنو و آنسیترا صراحتاً مورد پذیرش قرار گرفته است. در ماده 227 قانون تجارت ایران به امکان صدور برات به دستور و حساب شخص دیگر اشاره شده و همین حکم در بند 3 ماده 3 قانون متحدالشکل ژنو راجع به برات و سفته بین‌المللی (convention providing a uniform law for bills of exchange and promissory notes) تصریح گردیده است. به علاوه ماده 8 کنواسیون مذکور و نیز ماده 36 مقررات کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترا) (united nations commission international trade law (uncitral)) در مورد برات و سفته بین‌المللی، همچنین ماده 26 قانون بروات انگلیس

(bills of exchange act) به امضای نماینده به عنوان براتکش، ظهنویس یا براتگیر اشاره کرده و حسب مورد مسئولیت امضاکننده و اصیل را بیان نموده است. این موضوع به دلیل وحدت ملاک و مستندات قانونی مربوط در مورد چک هم قابلیت اجرا دارد. بنابراین مسئله نمایندگی در امضای اسناد براتی منحصر به مرحله صدور نیست بلکه ممکن است در مرحله انتقال و در مقام ضمانت و یا قبولی برات نیز مطرح شود.

امضای اسناد براتی به نمایندگی، سوال‌های مهمی را در مورد مسئولیت نماینده و شخصی که از طرف او سند امضا می‌گردد مطرح می‌سازد. به عنوان مثال، آیا می‌توان در همه موارد عدم مسئولیت نماینده را در مقابل دارنده سند به عنوان یک قاعده پذیرفت و همواره مسئولیت را متوجه اصیل دانست؟ یا اینکه آیا مسکوت گذاشتن نمایندگی و یا تصریح به نمایندگی در هنگام امضای سند تأثیری بر این مسئولیت می‌گذارد یا خیر؟ این سوالات و پرسش‌هایی نظیر آن، موضوعی است که در این مقاله سعی خواهیم کرد پاسخ آن‌ها را در حقوق ایران و برخی دیگر از کشورها به‌ویژه حقوق انگلیس و آمریکا و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی راجع به برات، سفته و چک بیان کنیم. براین اساس مطالب مربوط طی سه مبحث تنظیم و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### مبحث یکم - قاعده عدم مسئولیت نماینده و توجه مسئولیت به اصیل

در صورت امضای سند براتی توسط نماینده، این سوال مطرح می‌شود که آیا اساساً مسئولیت ناشی از امضا متوجه نماینده است یا شخصی که نماینده از طرف او اقدام به امضا نموده و یا اینکه مسئولیت مزبور به صورت مشترک یا به نحو تضامن متوجه هر دوی آنهاست؟ بدیهی است با توجه به ارتباط حقوق مدنی و حقوق تجارت و اینکه قواعد حقوق تجارت به عنوان قواعدی خاص می‌بایست ابتدائاً در موارد تعارض با حقوق مدنی مورد توجه قرار گرفته و اجرا شود باید در پی یافتن پاسخ در قانون تجارت باشیم و چنانچه قانون مزبور حکمی را در خصوص موضوع پیش‌بینی نکرده بود از قواعد عام حقوق مدنی استفاده کنیم. با جستجو در مقررات قوانین تجارت ملاحظه می‌شود که به جز ماده 19 قانون صدور چک که به بیان مسئولیت تضامنی صادرکننده چک به عنوان وکیل یا نماینده صاحب حساب و شخص صاحب

حساب پرداخته است مقرر دیگر که بتوان آن را به‌عنوان یک قاعده کلی در مورد دیگر اسناد براتی قابل اعمال دانست، وجود ندارد. بنابراین می‌بایست قواعد عام حقوق مدنی مورد توجه قرار گیرد.

### الف - قاعده عام عدم مسئولیت نماینده در حقوق مدنی

مطابق ماده 674 قانون مدنی موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده است انجام دهد. تعهدات و معاملاتی که وکیل به نمایندگی از موکل انجام می‌دهد مستقیماً برای موکل واقع می‌شود و ایشان در مقابل اشخاص ثالث متعهد قرار می‌گیرد (امامی، 1377، ج 307/2؛ همچنین ره پیک، 1387، ص 99). از طرفی آنچه از مواد قانونی مربوط به مسئولیت و تعهدات وکیل (مواد 666 تا 673 قانون مدنی) استنباط می‌گردد مسئولیت وی در مواردیست که عمدتاً مرتکب تقصیر شده و از حدود اذن یا متعارف خارج شده باشد به نحوی که عرفاً بتوان وکیل را مسبب خسارت دانست. بنابراین و علی‌رغم مسئولیت وکیل در موارد خاص باید اصل و قاعده کلی را در این مورد بر عدم مسئولیت نماینده و توجه مسئولیت به موکل یا اصیل قرار داد. ممکن است این سوال به ذهن خطور نماید که آیا شرط اجرای این قاعده آشکار کردن سمت نمایندگی توسط نماینده است یا در صورت عدم تصریح به سمت مزبور نیز همچنان مسئولیت عمل حقوقی انجام شده متوجه موکل است؟ در نگاه اول ممکن است چنین تصور شود که اگر وکیل نام موکل را پنهان دارد و ظاهراً خود او طرف معامله قرار گیرد مسئول اجرای تعهدات ناشی از آن معامله می‌باشد (ر.ک.: کاتوزیان، 1379، ص 446). هرچند این نظر نسبت به مواردی در حقوق تجارت و از جمله حق‌العمل کاری که نوعی وساطت در انجام معامله محسوب می‌شود می‌تواند صحیح و قابل دفاع باشد ولی مطابق قواعد حقوق مدنی قابل تأمل است زیرا مطابق ماده 196 قانون مدنی کسی که معامله می‌کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید و یا بعد خلاف آن ثابت شود. از این رو هرچند ظاهر این است که معامله برای کسی محسوب می‌شود که خود، طرف معامله بوده و آن را منعقد نموده است اما به استناد قسمت اخیر ماده یادشده امکان اثبات خلاف آن همواره

وجود دارد و بدیهی است که در صورت اثبات، حقوق و تعهدات ناشی از عقد متوجه شخص اصیل خواهد بود و نه نماینده همچنان که ماده 197 قانون مزبور نیز مقرر می‌دارد: «در صورتیکه ثمن یا مضمن معامله عین متعلق به غیر باشد آن معامله برای صاحب عین خواهد بود». این ماده حقیقتی را بیان می‌دارد و آن اینکه در عقد معوض هر یک از عوضین از ملک هر کس خارج شود دیگر در ملک او داخل می‌شود (امامی، 1364، ج 265/1). پس طبیعی است که مالک از آثار عقد بهره‌مند یا متضرر می‌گردد. البته چنانچه در اثر پنهان نمودن سمت نمایندگی خسارتی متوجه طرف معامله شود و کیل طبق ماده 331 قانون مدنی مسئول جبران آن خسارت خواهد بود (همانجا). نکته مهم در اینجا آن است که مسئولیت مزبور ناشی از قرارداد نیست بلکه داخل در ضمانات خارج از قرارداد محسوب می‌شود. همچنین باید توجه داشت که معامله‌کننده به مال غیر گاه ممکن است فاقد عنوان نمایندگی و وکالت باشد مانند فصول در معامله فضولی و گاهی نیز واجد عنوان نمایندگی که به نظر می‌رسد اطلاق ماده 196 مذکور هر دو مورد را در بر می‌گیرد.

### ب- قاعده عدم مسئولیت نماینده در حقوق تجارت

قانون تجارت ایران در مورد وکالت و نمایندگی در امضای اسناد براتی مقررات صریحی ندارد و فقط ماده 227 این قانون مقرر می‌دارد: «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود». ولی حکم مسئله و آثار حقوقی ناشی از آن را بیان نمی‌کند. در حالی که قانون متحدالشکل ژنو و به تبع آن قوانین اکثر کشورهای اروپایی و همچنین نظام حقوق تجارت کشورهای حقوق عرفی، موضوع را مطرح و احکام آن را بیان داشته‌اند (اخلاقی، 1370، ص 96). کنوانسیون آنستیرال نیز در ماده 36 موضوع نمایندگی در امضای اسناد براتی را مطرح و در بندهای مختلف آن آثار و احکام حقوقی این اقدام را بیان کرده است.

ماده 227 قانون تجارت ایران اشاره‌ای به اینکه مسئولیت ناشی از صدور برات متوجه آمر است یا امضاکننده، ندارد. بنابراین می‌توان به قاعده عام عدم مسئولیت نماینده همانطور که در مورد مقررات قانون مدنی در باب مسئولیت وکیل بیان گردید، استناد کرد. با وجود این به نظر می‌-

رسد اعمال قاعده مذکور در اینجا موکول به این است که سمت نمایندگی توسط نماینده مورد تصریح قرار گرفته باشد. پس عدم قید نمایندگی در سند و به هنگام امضای آن مسئولیت ناشی از امضا را متوجه شخص امضاکننده می‌سازد نه آمر هرچند وی اثبات نماید که امضای سند به نیابت از اصیل صورت گرفته است. در واقع اثبات وکالت در این حالت بین وکیل و موکل منشأ اثر است نه در رابطه با وکیل و ذینفع سند که اطلاع از وکالت مزبور نداشته و به ظاهر آن اعتماد کرده است. یکی از صاحب نظران حقوقی در این مورد می‌گوید: «هرگاه وکیل یا نماینده در صدور و امضای برات از حقوق و اختیارات لازم برخوردار باشد در این صورت موکل یا منوب‌عنه به نحو صحیح متعهد پرداخت وجه برات است و وکیل یا نماینده مسئولیتی نخواهد داشت. این معنا نیاز به تصریح دارد و وکیل یا نماینده باید در متن برات قید کند که امضای او به حساب شخص او نیست و معرف تعهد و مسئولیت موکل است (همان، ص 95). برخی دیگر از نویسندگان حقوقی هم به این معنا اشاره کردند (اسکینی، 1376، ص 55).

موضوع تصریح به نمایندگی در قانون بروات انگلیس به صراحت بیان شده است. در قسمتی از بند 1 ماده 26 این قانون آمده است: «شخصی که براتی را به عنوان براتکش، ظهرنویس یا قبول‌کننده امضا و عبارتی را اضافه می‌کند که نشان می‌دهد او برات را برای یا از طرف اصیل و یا در سمت نمایندگی امضا کرده است شخصاً مسئولیتی به موجب آن امضا ندارد...» (walker, 1980, p.41; www.legislation.gov.uk/ukpga/vict) برخی از نویسندگان هم اظهار داشته‌اند: اگر نماینده دارای اختیار، دو نکته را در امضای سند رعایت کند مسئولیت مربوط متوجه اصیل خواهد بود. یکی تصریح به نام اصیل و دیگری نوشتن نام خود به عنوان نماینده (Mann & Roberts, 2005, p 513). در این رابطه قاضی «الن برو» در دعوی «لدیتر علیه فارو» چنین اظهار عقیده نمود که زمانی امضاکننده، مسئول سند به حساب نمی‌آید که صراحتاً اعلام کند: «من صرفاً کاتب هستم» و الا شخصاً مسئولیت خواهد داشت (Roderick, 2010, p 317; Lowe, 1973, p 328). به علاوه مستفاد از بندهای 2 و 3 ماده 36 کنوانسیون آنسیرال آن است که چنانچه امضاکننده با داشتن اختیار لازم برای امضا، سمت نمایندگی خود و نام شخصی که نمایندگی را به او تفویض کرده در سند قید نماید مسئولیتی متوجه او نخواهد

بود (www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand...). ماده 8 کنوانسیون ژنو نیز گرچه بیشتر متعرض مواردی گردیده که وکیل یا نماینده ادعایی اختیاراتی نداشته و یا از حدود اختیاراتش تجاوز کرده است ولی صراحتاً عنوان نمایندگی در امضا را مورد اشاره قرار داده است. با توجه به بند 3 ماده 3 و نیز ماده 8 کنوانسیون مذکور بعضی از نویسندگان حقوقی چنین استنباط کرده‌اند که «هرگاه وکیل یا نماینده صحیحاً و در حدود اختیارات خود عمل کرده باشد و در متن برات متذکر علت و عنوان خود شده باشد در این صورت برات را به دستور و حساب دیگری صادر و در واقع موکل خود را متعهد ساخته است» (اخلاقی، همان، ص 96). این موضوع در حقوق آمریکا هم مورد توجه قرار گرفته است. مطابق بخشی از مواد 3-401 و 3-402 قانون متحدالشکل تجاری این کشور (ucc) اگر عامل به عنوان نماینده سندی را امضا کند و در امضا به نام شخصی که نمایندگی را تفویض نموده یا نام کسی که امضا از طرف او انجام می‌شود اشاره کند اصیل مسئول تعهدات ایجاد شده خواهد بود (www.law.cornell.edu/ucc/3/article3). همچنین اگر امضای سندی متضمن نام یک سازمان یا موکل، قبل از نام و سمت نماینده یا بعد از آن باشد نماینده مزبور از مسئولیت رهایی می‌یابد (Kolasa, 1987, p 539). نظیر این حکم در حقوق کانادا نیز مورد تصریح قرار گرفته است. به گفته برخی از نویسندگان حقوقی برای اینکه نماینده نسبت به عدم مسئولیت خود در مقابل موکل اطمینان پیدا کند می‌بایست اولاً در موقع امضای سند این نکته را خاطر نشان سازد که به عنوان نماینده اقدام می‌کند و ثانیاً هویت موکل خود را در سند تعیین نماید مثلاً همراه امضای خود بنویسد: «شرکت با مسئولیت محدود الف، به وسیله آقای ب یا از طرف آقای ب برای شرکت با مسئولیت محدود الف» (Smith; Soberman; Easson, 2007, p 387).

با وجود این در مواردی که نماینده به سمت نمایندگی خود در سند اشاره نماید ولی دارندگان سند به سمت نماینده مزبور آگاهی داشته باشند مسئولیت متوجه نماینده نخواهد بود (اسکینی، همان، ص 54). در واقع عکس این موضوع یعنی مسئولیت نماینده در مقابل دارنده زمانی تحقق پیدا می‌کند که دارنده، بی‌اطلاع از این مسئله باشد که نماینده قصد قبول تعهد در امضای سند را نداشته است (Mann & Robert, op. cit., p 513). پس از بیان مطالب فوق اینک

به مواردی اشاره می‌کنیم که امضاکننده سند اعم از اینکه به نیابت از دیگری اقدام نموده و یا صرفاً با ادعای نمایندگی، آن را امضا کرده است مسئول سند شناخته می‌شود.

### مبحث دوم - موارد مسئولیت نماینده

اگر شخصی بدون داشتن نمایندگی از طرف دیگری و یا با داشتن نمایندگی ولی خارج از حدود اختیارات تفویض شده، سند براتی را امضا کند و یا با داشتن نمایندگی و با رعایت حدود اختیارات سند را امضا ولی سمت خود را پنهان نماید و دارنده نیز از سمت مزبور بی-اطلاع باشد در این صورت باید مسئولیت ناشی از امضا را متوجه امضاکننده دانست. این حکم در تمامی موارد یادشده یکسان ولی توجیه و تحلیل حقوقی آن متفاوت است. در این بین، مسئولیت امضاکننده چک نیز که علی‌رغم داشتن نمایندگی و اختیار کافی از دیگری اقدام به صدور چک نموده و با ملاحظه متن چک، نمایندگی مزبور هم کاملاً محرز و آشکار است قابل توجه می‌باشد. از این رو لازم است موارد فوق با تفصیل بیشتری مورد بررسی قرار گیرد.

### الف - فقدان نمایندگی یا تجاوز از حدود اختیار

در صورتی که امضاکننده سند براتی فاقد سمت نمایندگی باشد و سند را به نیابت از دیگری امضا کند واضح است که موکل ادعایی را نمی‌توان مسئول آن سند به حساب آورد و تعهدات ناشی از امضا را بر وی تحمیل نمود. زیرا عمل حقوقی انجام شده فصولی محسوب می‌شود و بدون تنفیذ وی مسئولیتی برای او ایجاد نخواهد کرد. این حکم از ماده 247 قانون مدنی که مقرر داشته است: «معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست... ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود در این صورت معامله صحیح و نافذ می‌شود» استنباط می‌گردد. همین حکم در موردی که نماینده خارج از اختیار عمل کرده باشد نیز وجود دارد. مطابق ماده 674 قانون مدنی موکل مسئول تعهداتی که وکیل خارج از اختیاراتش به وجود آورده است نخواهد بود مگر اینکه صراحتاً یا ضمناً مورد تنفیذ وی قرار گیرد. حال باید دید در صورت عدم تنفیذ، مسئولیت امضاکننده سند چگونه



است؟ طبق قواعد عام حقوق مدنی عمل انجام شده باطل و فاقد اثر حقوقی است. زیرا معامله‌ای که به وسیله وکیل انجام می‌شود نتیجه دو رابطه حقوقی است. یکی رابطه بین وکیل و موکل که ناشی از عقد وکالت است و دیگری رابطه بین موکل و طرف معامله که به وسیله عقد به وجود آمده است. در معامله فضولی، فضول بدون داشتن سمت وکالت از طرف غیر اقدام به ایجاد رابطه حقوقی می‌نماید و چون رابطه اول در اینجا وجود ندارد پس رابطه دوم که معامله باشد نیز به وجود نمی‌آید، یعنی معامله باطل و کان لم یکن تلقی می‌گردد (امامی، همان، ج 1/ 298 و 300). بنابراین در موضوع مورد بحث مطابق قواعد حقوق مدنی امضاکننده مزبور هیچ مسئولیتی در رابطه با سند براتی ندارد هرچند می‌توان وی را از باب مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده دانست. با وجود این می‌توان گفت حکم مسئله در حقوق تجارت با آنچه مطابق قواعد حقوق مدنی بیان شد متفاوت است. هرچند در قانون تجارت حکم صریحی در این مورد وجود ندارد ولی می‌توان از اصول و قواعد حاکم بر اسناد براتی به مسئولیت چنین امضاکننده‌ای تحت عناوینی مثل براتکش و براتگیر در برات و یا متعهد در سفته حکم کرد. زیرا اولاً در فرض مورد نظر، سند براتی واجد همه شرایط اساسی و شکلی مذکور در قانون تجارت و در مرحله صدور می‌باشد و دارندگان سند آن را به اعتبار صورت ظاهر و امضاهای مندرج در آن مورد معامله قرار دادند. ثانیاً امضاکننده مزبور با امضای سند حسب مورد ممکن است عنوان براتکش، متعهد، ضامن و غیره پیدا کند که مطابق ماده 249 قانون تجارت مسئولیت وی صراحتاً مورد تصریح قرار گرفته است. در این ماده که به استناد مواد 309 و 314 قانون تجارت در مورد سفته و چک هم متناسب با امضاکنندگان آنها لازم الاجرا می‌باشد آمده است: «برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند... ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است». ثالثاً به موجب برخی از اوصاف و اصول حاکم بر این اسناد مانند وصف تجریدی، اصل عدم تاثیر ایرادات و اصل استقلال امضاها می‌توان امضاکننده مزبور را به عنوان متعهد سند براتی مسئول پرداخت آن به حساب آورد.

ماده 8 قانون متحدالشکل ژنو در مورد برات و سفته مقرر داشته است: «هر کس امضای خود را به عنوان نماینده شخصی در ورقه برات منعکس نماید بدون اینکه قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد مثل دیگر متعهدان سند مسئول است...» ([www.jus.uio.no/im/billsorexchangeandpromissorynotes](http://www.jus.uio.no/im/billsorexchangeandpromissorynotes)). مشابه همین حکم در ماده 11 قانون مذکور راجع به چک هم پیش‌بینی شده است ([www.jus.uio.no/english/services/library/trea](http://www.jus.uio.no/english/services/library/trea)). بنابراین طبق قوانین متحدالشکل ژنو مسئولیت نماینده موصوف در امضای سند براتی همان مسئولیت اصیل تلقی شده است. کنوانسیون آنسیترال هم در قسمتی از بند 3 ماده 36 خود حکم مشابهی را بیان نموده و آورده است: «امضایی که توسط شخصی به عنوان نماینده اما بدون داشتن اختیار یا تجاوز از اختیار بر روی سند منعکس گردد مسئولیت را متوجه شخص امضاکننده خواهد نمود» ([www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand...](http://www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand...)). در قانون بروات انگلیس حکم صریحی در این مورد به چشم نمی‌خورد اما از ماده 25 آن که تعهد اصیل را تنها در صورتی به رسمیت شناخته که نماینده در حدود اختیار، سند را امضا کرده باشد می‌توان چنین استنباط کرد که اگر نماینده‌ای خارج از حدود اختیار سند را امضا کند مسئولیتی را برای اصیل ایجاد نمی‌کند در نتیجه نماینده مزبور می‌بایست مسئولیت ناشی از امضای سند را بر عهده گیرد. این حکم را می‌توان از ماده 23 آن قانون نیز استنباط کرد. ماده مزبور با عنوان «امضا، عنصر اساسی برای مسئولیت مقرر می‌دارد اگر کسی تحت عناوین براتکش، ظهنویس یا قبول کننده، برات را امضا نکرده باشد هیچ مسئولیتی در این رابطه با عناوین مذکور در برات ندارد...» ([www.legislation.gov.uk/ukpga/vict](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/vict)). مفهوم مخالف آن این است که اگر کسی تحت عناوین یادشده برات را امضا کرده باشد مسئول سند تلقی می‌شود؛ خواه به حساب خود آن را امضا نموده باشد و یا به عنوان نماینده در حالی که فاقد چنین اختیاری برای امضای سند بوده است. لذا چون نمی‌توان مسئولیت را متوجه موکل نمود شخص نماینده تحت عناوین مذکور مسئول پرداخت سند می‌باشد.

بعضی از نویسندگان حقوقی هم پس از بیان اینکه امضای غیرمجاز شامل امضای جعلی و امضای نماینده بدون اختیار می‌گردد، گفتند: «گرچه امضای غیرمجاز، الزامی را برای کسی که نام وی بر روی سند منعکس شده است ایجاد نمی‌کند اما نسبت به امضاکننده غیرمجاز اعم

از اینکه نام خود را در سند منعکس کرده یا نکرده باشد ایجاد مسئولیت می‌نماید. این مسئولیت در مقابل دارنده‌ای است که با حسن‌نیت سند را پرداخت نموده و یا در قبال ما به ازایی آن را تحصیل کرده است. پس اگر الف بدون داشتن اختیار، نام ب را در سند نوشته و امضا کند الف مسئول است نه ب. این قاعده را می‌توان استثنایی بر این اصل که «فقط نام کسانی که در سند قابل معامله منعکس است مسئول می‌باشند» به حساب آورد (Mann & Robert, op. cit., p) متحده‌الشکل تجاری (uniform commercial code) آمریکا نیز مورد اشاره قرار گرفته و آمده است: «... امضای غیرمجاز، معتبر نیست مگر اینکه امضای امضاکننده غیرمجاز به نفع شخصی باشد که با حسن نیت {وجه} سند را پرداخته یا آن سند را تحصیل کرده باشد...» (www.law.cornell.edu/ucc/3/article3).

#### ب- نمایندگی افشا نشده (undisclosed agency)

گاهی ممکن است نماینده دارای اختیار کافی، در هنگام امضای سند نمایندگی خود را افشا ننماید. معمولاً این حالت زمانی رخ می‌دهد که مسئول واقعی سند برای حفظ اسرار تجاری خود تمایل ندارد که دیگران از روابط معاملاتی او با اشخاص دیگر مطلع گردند یا بعد مسافت میان طلبکار و بدهکار زمانی که آنها در دو کشور متفاوت هستند موجب می‌شود که جهت سرعت در انجام پرداخت و پرهیز از هزینه صرف و تبدیل پول یا ملاحظات اقتصادی دیگر چنین اقدامی صورت پذیرد (ر.ک.: صقری، 1380، ص 121؛ راستین، 1353، ص 252). این موضوع از مصادیق حق‌العمل‌کاری (commission) محسوب می‌شود. زیرا طبق تعریف، حق‌العمل‌کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی انجام می‌دهد. این معاملات ممکن است شامل اسناد براتی هم بشود. مطابق ماده 373 قانون تجارت مال مورد معامله در حق‌العمل‌کاری علاوه بر کالا و مال‌التجاره می‌تواند اسناد تجاری یا سایر اوراق بهادار باشد. لذا مثلاً ممکن است نماینده‌ای (حق‌العمل‌کار) سند براتی را به حساب آمر خریداری کند یا سند مربوط بدون افشای نمایندگی خود، به حساب آمر به دیگری انتقال داده و تنزیل کند یا اقدام به صدور برات نماید. اساساً ماده 227 این قانون هم مقرر داشته است که برات ممکن

است به دستور و به حساب شخص دیگری صادر شود. حال باید دید در مواردی مانند صدور و ظهرنویسی سند به نمایندگی و بدون اینکه سمت امضاکننده فاش گردد چه شخصی مسئول است؟ این سوال در فرضی مطرح می‌شود که امضاکننده مزبور برای گریز از تعهد پرداخت در مقابل دارنده با حسن نیت سند متوسل به سمت نمایندگی خود می‌گردد و آن را اثبات می‌کند. اهمیت پاسخ به سوال مذکور این است که از سویی مطابق اصل عدم مسئولیت نماینده اساساً نماینده یا وکیل مسئولیتی در امضای سند براتی ندارد و اصیل یا موکل متعهد به ایفای تعهد ناشی از آن می‌باشد. از سوی دیگر دارنده با حسن نیت که به ظاهر سند اعتماد کرده و خود را برخوردار از حمایت‌های قانونی می‌داند و از موضوع نمایندگی و رابطه وکالت بین امضاکننده سند و موکل نیز بی‌اطلاع است امضاکننده را مسئول پرداخت می‌شناسد و به همین اعتبار حاضر به پذیرش سند گردیده است. البته واضح است در صورتی که دارنده از این موضوع اطلاع داشته است که امضاکننده قصد متعهد کردن خود را در امضای سند نداشته است نمی‌تواند به او رجوع کند بلکه باید به اصیل مراجعه نماید (Mann & Robert, op. cit., p 513). در قانون تجارت ایران مقرر و عنوان صریحی در مورد نمایندگی افشا نشده وجود ندارد ولی همانطور که گفته شد این نمایندگی می‌تواند مشمول احکام حق‌العمل کاری قرار گیرد. حق‌العمل کار علاوه بر اینکه در مقابل آمر مطابق مفاد قرارداد فیما بین و یا مقررات قانونی مسئول است در مقابل طرف معامله هم مسئول می‌باشد اعم از اینکه آمر معامله انجام شده قبول کند یا خیر (ستوده تهرانی، 1388، ص 58). دلیل این مسئولیت آن است که حق‌العمل کار مستقیماً و به نام خود طرف معامله قرار می‌گیرد. مسئولیت حق‌العمل کار زمانی که موضوع معامله سند براتی امضا شده توسط وی باشد به صورت تعهد براتی یعنی تعهدی مستقل و ناشی از امضای برات در مقابل آخرین دارنده با حسن نیت سند در می‌آید که با توجه به ماهیت خاص اسناد براتی اهمیت ویژه پیدا می‌کند. بنابراین و با توجه به ماده 227 قانون تجارت اگر نماینده‌ای که سمت خود را در سند فاش ننموده آن را امضا کند در مقابل دارنده سند که با حسن نیت تلقی می‌شود مسئول است. حدود و شرایط مسئولیت نیز بستگی به عنوان و جایگاهی دارد که نماینده تحت آن عنوان مثلاً براتکش، براتگیر، ظهرنویس و ضامن سند را امضا کرده است. از این رو

با توجه به مقررات قانون تجارت و اصول حقوقی حاکم بر اسناد براتی که در جهت حمایت از دارنده با حسن نیت سند ایجاد و مورد شناسایی قرار گرفته است، مسئولیت امضاکننده مزبور را باید امری قطعی و مسلم به حساب آورد (صقری، همان، صص 84، 85 و 121؛ بهرامی، 1382، صص 48 و 94 و 97؛ اسکینی، همان، صص 54 و 55). بر این اساس ادعا یا ایراد امضاکننده مبنی بر اینکه او به عنوان نماینده سند را امضا کرده و لذا مسئول پرداخت آن نمی‌باشد به دلیل عدم قید آن در سند مسموع نخواهد بود.

قانون متحدالشکل ژنو در موضوع نمایندگی افشا نشده حکم صریحی ندارد ولی می‌توان از ملاک موادی که ناظر به اعتبار ظاهر سند می‌باشد مسئولیت چنین نماینده‌ای را استنباط کرد. به عنوان مثال ماده 10 قانون مذکور مقرر داشته است: «اگر براتی که هنگام صدور متن آن هنوز تکمیل نشده است به نحوی غیر از توافق قبلی طرفین کامل شود، عدم رعایت چنین توافقی علیه دارنده سند مسموع نیست...»؛ یا مطابق قسمتی از ماده 56 (در موضوع مداخله جهت قبولی) وقتی که در روی برات شخصی برای موقع ضرورت جهت قبولی یا پرداخت در محل تأدیه معین شده است دارنده نمی‌تواند حق رجوع خود را علیه شخص تعیین‌کننده و ظهرنویسان پس از او اعمال نماید ([www.jus.uio.no/im/billsorexchangeandpromissorynotes](http://www.jus.uio.no/im/billsorexchangeandpromissorynotes)).

بنابراین از مواد قانونی مذکور چنین استفاده می‌شود که اعتماد دارنده به ظاهر سند امری پذیرفته و مورد حمایت می‌باشد و به تبع آن وظایف دارنده نیز می‌بایست بر مبنای مندرجات و ظاهر سند انجام گیرد. پس در موضوع مورد بحث دارنده حق دارد به ظاهر سند اعتماد نموده و امضاکننده را مسئول پرداخت سند به حساب آورد. بند 3 ماده 36 کنوانسیون آنسیترال نیز حاکی از مسئولیت ناشی از تعهد براتی برای امضاکننده سند دارد. مطابق این بند «امضایی که توسط شخصی به عنوان نماینده اما بدون داشتن اختیار یا تجاوز از اختیار بر روی سند منعکس گردد یا شخص مزبور با داشتن حق امضا ولی بدون قید سمت نمایندگی خود از جانب شخص معینی سند را امضا نماید یا نامبرده سند را با سمت نمایندگی امضا کرده لیکن نام شخصی که نمایندگی را به او تفویض نموده قید نکند مسئولیت را متوجه شخص امضاکننده خواهد نمود» ([www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand...](http://www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand...)). همچنین کنوانسیون مزبور در راستای اعتبار

بخشیدن به صورت ظاهر سند در بند 4 ماده یادشده می‌گوید: «این سوال که امضای منعکس در سند به عنوان نمایندگی است یا خیر فقط با ملاحظه قیود مندرج در سند پاسخ داده می‌شود» (ibid).

در بند 1 ماده 26 قانون بروات انگلیس هم حکمی تقریباً مشابه آنچه در کنوانسیون آنستیرال بیان شد ذکر گردیده و در بند 2 آن آمده است: «در تعیین اینکه آیا امضای در برات متعلق به اصیل است یا نماینده باید مطلوب‌ترین تفسیر در جهت اعتبار و استحکام سند مورد پذیرش قرار گیرد» (www.legislation.gov.uk/ukpga/vict).

روشن است که در موضوع مورد بحث مناسب‌ترین تفسیر در جهت اعتبار سند آن است که امضاکننده‌ای بدون قید هیچ عبارتی حاکی از نمایندگی از طرف شخص معینی سند را امضا کرده است مسئول پرداخت به حساب آوریم. همچنین می‌توان این مسئولیت را به مواردی تعمیم داد که امضاکننده صرفاً به نوشتن کلماتی توصیفی بسنده کرده است مثلاً امضاکننده به همراه امضای خود بنویسد «اینجانب مدیر شرکت الف» که در این صورت نیز شخصاً مسئول تلقی می‌شود (Lowe, op. cit., p 328; Mann & Roberts, op. cit., p 513; Walker, op. cit., p 41). بند 2 ماده 3-403 قانون متحدالشکل تجاری آمریکا نیز با اشاره به اینکه اگر در سند به نام منوب‌عنه تصریح نشده باشد در این صورت نماینده در مقابل دارنده با حسن نیت سند مسئول است حکم مشابهی را با آنچه که گفته شد بیان کرده است. به علاوه در این ماده به استثنایی در مسئولیت نماینده مزبور در مقابل اشخاصی غیر از دارنده با حسن نیت سند اشاره شده که آن عبارت است از اینکه نماینده بتواند ثابت کند که طرفین اصلی سند قصد متعهد ساختن وی را نداشتند (www.law.cornell.edu/ucc/3/article3).

از این رو همچنانکه ملاحظه می‌شود تعلیل مزبور در مقابل دارنده با حسن نیت سند مورد پذیرش قرار نگرفته و نمی‌تواند نماینده را از مسئولیت مبرا سازد. یکی از نویسندگان خارجی هم با بیان حکم مشابهی در حقوق کانادا دلیل مسئولیت نماینده در فرض مورد بحث را اعتماد دارنده سند به شهرت و اعتبار شخصی نماینده عنوان نموده است (Smith; Soberman; Easson, op. cit., p 387).

### ج- نمایندگی در صدور چک

گفته شد که موضوع نمایندگی در صدور برات در ماده 227 قانون تجارت مورد تصریح قرار گرفته ولی قانونگذار آثار حقوقی آن را بیان نکرده است. نتایج سوء ناشی از این سکوت، قانونگذار چک را بر آن داشت تا در مورد چک تصریح به عمل آورد. می‌دانیم که اساساً نماینده، مسئول تعهداتی که به نام موکل خود ایجاد می‌کند نیست ولی در مورد چک به طور استثنایی قانونگذار علاوه بر موکل یا اصیل، نماینده او را که صادرکننده چک بوده به طور تضامنی مسئول پرداخت قرار داده است. بعضی از صاحب‌نظران حقوقی هدف قانونگذار در وضع حکم خاص مزبور را جلوگیری از سوءاستفاده در مورد صدور و امضای چک به وکالت و نمایندگی و نیز افزایش ارزش و اعتبار چک و نتیجتاً جلوگیری از گسترش صدور چک‌های بلامحل عنوان کرده‌اند (اخلاقی، همان، ص 254). به موجب ماده 19 قانون صدور چک «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود...». بنابراین کسی که به نمایندگی از شخص حقیقی یا حقوقی اقدام به صدور چک نموده است اعم از اینکه در متن چک به نمایندگی خود تصریح نموده یا ننموده باشد با صاحب حساب در پرداخت مبلغ چک مسئولیت تضامنی دارد. مسئولیت مزبور صرفاً مربوط به جنبه حقوقی چک می‌باشد و شامل جنبه کیفری آن نمی‌گردد (مطابق قسمت اخیر ماده 19 قانون صدور چک فقط امضاکننده چک مسئولیت کیفری خواهد داشت مگر اینکه ثابت شود عدم پرداخت چک مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی است که در این صورت مسئولیت کیفری متوجه این اشخاص خواهد بود. مسئولیت کیفری نماینده‌ای که اقدام به صدور چک نموده به این صورت قابل توجیه است که چون صدور چک بلامحل جنبه کیفری دارد پس وکیل یا نماینده از هر اختیاری هم که برخوردار باشد هیچ‌گاه وکالت در انجام جرم را ندارد. زیرا ارتکاب جرم عمل نامشروع بوده و نمی‌تواند موضوع عقد قرار گیرد). شایان ذکر است که گاهی نمایندگی در صدور چک محرز است مانند موردی که در متن چک علاوه بر امضای صادرکننده مهر متعلق به شخص حقوقی صاحب حساب هم وجود دارد ولی گاهی ممکن است نمایندگی مزبور انعکاسی در

سند نداشته باشد. با وجود این، موضوع نمایندگی از طریق اعلام بانک محال‌علیه و صدور گواهی عدم پرداخت به آسانی قابل تشخیص و احراز می‌باشد.

علاوه بر اجرائیه و حکم ضرر و زیانی که از طرف دادگاه به نحو تضامن در موضوع مورد بحث صادر می‌شود اجرای ثبت نیز می‌تواند حسب مورد اجرائیه مربوط را به نحو تضامن صادر نماید. مطابق ماده 190 آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب 1387/6/11 ریاست قوه قضائیه: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب صادر شده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجرائیه علیه آن‌ها بر اساس تضامن صادر می‌شود». ماده 188 این آئین‌نامه نیز می‌گوید: «اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای زیر چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد و همچنین فقدان مهر در اشخاص حقوقی باشد در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد». بنابراین برای صدور اجرائیه ثبتی در نمود چک‌هایی که به نمایندگی صادر می‌شود می‌بایست نمونه امضای نماینده مورد نظر در کارت افتتاح حساب جاری صاحب حساب وجود داشته باشد تا بانک بتواند مطابقت امضای چک را در گواهینامه عدم پرداخت تأیید کند در غیر این صورت به علت عدم مطابقت امضا امکان صدور اجرائیه ثبتی وجود نخواهد داشت. در مواردی نیز که صاحب حساب، شخص حقوقی مثلاً یک شرکت تجاری است صدور اجرائیه ثبتی به نحو تضامن علیه صاحب حساب و صادرکننده چک منوط به وجود مهر شرکت در چک همراه با امضای مدیر یا مدیران صادرکننده می‌باشد.

در کنوانسیون ژنو 1931 و نیز در حقوق آمریکا حکم جداگانه‌ای در مورد مسئولیت تضامنی صاحب حساب و نماینده در صدور چک بیان نشده است بلکه موضوع تابع همان قواعد ذکر شده می‌باشد؛ موضوعی که به نظر نمی‌رسد در حقوق کشورهای دیگر نیز حکم علی‌حده‌ای داشته باشد. در قسمتی از ماده 3-403 (ucc) آمده است اگر نماینده‌ای بدون ذکر سمت نمایندگی ولی در حدود اختیارات تفویضی از سوی منوب‌عنه، به نام خود اقدام به صدور چک نماید در



حالی که چک می‌بایست از حساب بانکی منوب‌عنه که در چک ذکر شده پرداخت گردد، نماینده (امضاکننده) مسئول چک نمی‌باشد (www.law.cornell.edu/ucc/3/article3).

### مبحث سوم - حقوق پرداخت‌کننده سند

همانگونه که گفته شد در مواردی که امضاکننده به عنوان وکیل و در حدود اختیار سند براتی امضا و به نمایندگی خود در متن آن تصریح می‌نماید و یا دارنده سند از نمایندگی امضاکننده اطلاع دارد مسئولیت پرداخت متوجه موکل (اصیل) می‌باشد و امضاکننده مزبور تعهدی نسبت به پرداخت سند ندارد. اما در مواردی که امضاکننده مسئول پرداخت سند می‌باشد این سوال مطرح می‌شود که در صورت پرداخت وجه استیفای حقوق وی چگونه خواهد بود؟ برای پاسخ به این سوال باید بین موردی که امضاکننده در حالت فقدان نمایندگی یا تجاوز از حدود اختیار، سند را امضا کرده و موردی که وی به عنوان وکالت نسبت به امضای سند اقدام نموده ولی سمت خود را افشا نکرده است تفاوت قائل شد.

#### الف - حقوق پرداخت‌کننده سند در حالت فقدان نمایندگی یا تجاوز از حدود اختیار

در این فرض روشن است که امضاکننده‌ای که به دلیل فقد نمایندگی یا تجاوز از حیطه اختیار تفویضی مجبور به پرداخت وجه به دارنده سند گردیده است از نظر مقررات مربوط به وکالت حق رجوع به موکل ادعایی را ندارد. با وجود این از منظر مقررات حاکم بر اسناد براتی چنانچه موکل ادعایی از امضاکنندگان سند باشد ممکن است پرداخت‌کننده با رعایت مقررات مذکور در قانون تجارت بتواند به او و حتی امضاکنندگانی که قبل از او سند را امضا کرده‌اند رجوع نماید. توضیح این که پرداخت‌کننده مزبور حسب مورد ممکن است عنوان ضامن یا قبول‌کننده ثالث و نهایتاً ضابط پرداخت‌کننده ثالث پیدا کند. قانون متحدالشکل ژنو ضمانت یا قبولی و تأدیه کردن برات به وسیله یکی از امضاکنندگان سند را در مواد 30 و 55 خود پذیرفته است ولی قانون تجارت ایران حکمی در این مورد ندارد. با وجود این به نظر می‌رسد قبول این موضوع در حقوق ایران نیز ایرادی نداشته باشد زیرا علاوه بر عدم منع قانون در این مورد پذیرش مسئولیت مجدد در سند براتی بی‌فایده نیست و اگر تعهد ناشی از یکی از

مسئولیت‌ها به هر دلیلی ساقط گردد ممکن است تعهد مربوط به مسئولیت دیگر همچنان باقی بماند. بنابراین و مثلاً چنانچه ضامن مدعی است که به نمایندگی از طرف براتکش از ظهرنویسی ضمانت نموده و مبلغ سند را پرداخت کرده است در این صورت و با فرض عدم اثبات نمایندگی و یا تجاوز از حدود اختیار، پرداخت‌کننده موصوف طبق مقررات قانون تجارت می‌تواند به ظهرنویس به عنوان مضمون‌عنه رجوع کند. زیرا مطابق ماده 411 قانون تجارت «پس از آن که ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون‌له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون‌عنه لازم و مفید است به او بدهد...». به علاوه ضامن حق دارد به عنوان دارنده سند و یا به قائم‌مقامی از مضمون‌عنه به همه امضاکنندگانی که قبل از مضمون‌عنه مسئولیت پرداخت داشته‌اند رجوع کند (اسکینی، همان، صص 123 و 124؛ ستوده تهرانی، همان، ص 52؛ صقری، همان، ص 262). در این صورت براتکش نیز به عنوان مؤسس سند و اولین امضاکننده آن در مقابل ضامن مسئول پرداخت می‌باشد. همچنین مطابق مواد 239 و 270 تا 272 قانون تجارت شخص ثالث می‌تواند برات نکول شده را از طرف برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها حتی بدون داشتن نمایندگی از جانب آن‌ها قبول کند و در صورت پرداخت دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات گردد. اگر ثالث پرداخت‌کننده، وجه را از طرف برات‌دهنده پرداخت کرده باشد تمام ظهرنویس‌ها بری‌الذمه می‌شوند و اگر از طرف یکی از ظهرنویس‌ها پرداخت نموده باشد ظهرنویس‌های بعد از او بری‌الذمه می‌گردد. بنابراین در هر صورت حق رجوع پرداخت‌کننده مزبور به براتکش محفوظ خواهد بود. البته روشن است که مسئولیت براتکش یا ظهرنویس در موارد یادشده ناشی از تعهد براتی آن‌ها بر اثر امضای برات می‌باشد و ارتباطی با وکالت و نمایندگی ادعایی ضامن یا پرداخت‌کننده ثالث ندارد.

شق دیگر موضوع، حالتی است که علاوه بر این که امضاکننده سند نمی‌تواند نمایندگی خود را از جانب موکل ادعایی اثبات کند موکل موصوف نیز از امضاکنندگان سند نمی‌باشد. در این صورت باید دید آیا حقوقی برای امضاکننده مزبور که مجبور به پرداخت وجه به دارنده گردیده است وجود دارد یا خیر. به عنوان مثال اگر صادرکننده برات مدعی شود که برات را به حساب و دستور دیگری صادر کرده است اما نتواند رابطه حقوقی مذکور را با اصیل

ثابت کند تکلیف پرداختی که انجام داده است چه خواهد بود؟ همانگونه که گفته شد پرداخت‌کننده وجه حق مراجعه به موکل ادعایی را ندارد زیرا نه رابطه نمایندگی بین آن‌ها وجود داشته و اثبات شده است و نه موکل ادعایی سند براتی را به عنوان براتکش امضا کرده است. با وجود این در صورتی که براتگیر برات صادرکننده را قبولی نوشته ولی از پرداخت وجه امتناع نموده باشد، در حالی که قبلاً و در سررسید برات، محل نزد او تأمین گردیده است صادرکننده می‌تواند به استناد برات مزبور به براتگیر رجوع نماید. همچنین است در صورتی که محل نزد براتگیر تأمین شده ولی وی از قبولی و پرداخت برات امتناع کرده است. در این صورت براتکش نه به استناد برات بلکه بر اساس مستندات معامله فی مابین می‌تواند به براتگیر (مدیون) مراجعه کند. در واقع حقوق صادرکننده برات در فرض مورد بحث، حقوق همان شخصی خواهد بود که از جانب او مدعی نمایندگی می‌باشد. این موضوع صراحتاً در ماده 8 قانون متحدالشکل ژنو و بند 5 ماده 36 کنوانسیون آنسیترا ل مورد اشاره قرار گرفته است. به موجب ماده 8 قانون متحدالشکل ژنو هر کس امضای خود را به عنوان نماینده شخصی در ورقه برات منعکس نماید بدون این که قانوناً اختیار چنین عملی را از جانب او داشته باشد مثل دیگر متعهدان سند مسئول است و اگر وجه سند را پرداخت کند دارای حقوق همان شخصی خواهد بود که از جانب او مدعی نمایندگی بوده است. همین قاعده در مورد نماینده‌ای که از حدود اختیار خود تجاوز نموده جاری است ([www.jus.uio.no/im/billsorexchangeandpromissorynotes](http://www.jus.uio.no/im/billsorexchangeandpromissorynotes)). بند 5 ماده 36 کنوانسیون آنسیترا ل نیز حکم مشابهی را در این مورد بازگو کرده است ([www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand..](http://www.jus.uio.no/im/un.billsorexchangeand..)).

سوال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که اگر صادرکننده مدعی نمایندگی از طرف شخص دیگر، براتی را صادر و بدون دریافت هیچ مابه‌ازایی از دارنده، آن را در اختیار او بگذارد سپس بدون این که بتواند رابطه نمایندگی را اثبات کند مجبور به پرداخت مبلغ سند به آخرین دارنده با حسن نیت گردد آیا می‌تواند حقوق خود را استیفا نماید یا خیر؟ به نظر می‌رسد صادرکننده بتواند نهایتاً وجه پرداختی را از اولین دارنده سند وفق مقررات قانونی وصول کند. توضیح آن که چون قانون تجارت در این مورد حکمی ندارد می‌بایست با مراجعه به مقررات قانون مدنی پاسخ سوال معلوم گردد. ماده 265 قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس

مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون این که مقروض آن چیز باشد می‌تواند استرداد کند». ماده 301 همین قانون نیز می‌گوید: «کسی که عمداً یا اشتهاً چیزی را که مستحق نبوده است دریافت کند ملزم است آن را به مالک تسلیم کند». صرف نظر از اختلاف نظرهایی که در تفسیر ماده 265 یادشده بین حقوقدانان وجود دارد (ر.ک.: شهیدی، 1368، ص 56؛ ره‌پیک، 1390، ص 221) می‌توان این نظر را پذیرفت که چنانچه براتکش بتواند عدم مدیونیت خود را نسبت به دارنده سند اثبات نماید می‌تواند وجه پرداخت شده را استرداد کند (همان، صص 221 و 222؛ کاتوزیان، همان، صص 239 و 261؛ جعفری لنگرودی، 1379، ذیل ماده 265).

#### ب- حقوق پرداخت کننده سند در حالت عدم افشای نمایندگی

همانگونه که قبلاً اشاره شد امضاکننده سند که با وجود داشتن نمایندگی از دیگری سند را امضا کرده ولی سمت خود را مخفی داشته در مقابل دارنده با حسن نیت سند مسؤل پرداخت می‌باشد. با فرض پرداخت، تفاوتی در استیفای حقوق وی با آنچه در بند الف فوق گفته شد وجود ندارد الا این که در این حالت به دلیل وجود رابطه نمایندگی و اقدام نماینده در حدود اختیارات تفویضی، پرداخت کننده موصوف می‌تواند به موکل خود نیز حسب مورد برای آنچه پرداخت نموده است مراجعه کند. به عنوان مثال، اگر ضامن یا پرداخت کننده ثالث که دارای نمایندگی از طرف یکی از امضاکنندگان سند می‌باشد نتواند پس از پرداخت وجه به دیگر مسؤلان سند مثلاً ظهرنویس به دلیل انقضای مهلت اقامه دعوی رجوع نماید یا پس از رجوع نتواند مبلغ پرداختی را وصول کند می‌تواند به استناد قرارداد نمایندگی به موکل مراجعه و با تحویل اسناد مربوط وجه پرداختی را از وی مطالبه نماید. موکل نیز پس از پرداخت وجه به عنوان کسی که در حکم دارنده سند محسوب می‌شود اساساً می‌تواند در صورتی که خود از امضاکنندگان سند بوده به امضاکنندگان قبل از خود با رعایت شرایط قانونی مراجعه کند و در صورتی که از امضاکنندگان سند نباشد در این صورت باید دید آیا در مقابل دارنده سند مدیون بوده است یا خیر، در صورت مدیون بودن، موکل مزبور بدین ترتیب دین خود را پرداخت کرده و حق رجوع به دریافت کننده را ندارد ولی اگر مدیون نبوده است می‌تواند پس

از اثبات رابطه قراردادی خود با نماینده‌ای که در حدود اختیار اقدام به صدور سند نموده است با استناد به ماده 265 قانون مدنی و اثبات عدم مدیونیت خود آنچه را که پرداخته از کسی که بدون استحقاق منتفع گردیده است، مسترد کند.

در مورد نمایندگی در صدور چک نیز در صورتی که صادرکننده مجبور به پرداخت وجه گردد می‌تواند وجه پرداختی را از شخص حقیقی یا حقوقی صاحب حساب (موکل) دریافت کند و چنانچه صاحبان حساب یعنی موکلین متعدد باشند مانند موردی که حساب جاری به طور مشترک بین اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا حقیقی و حقوقی افتتاح شده باشد صادرکننده مزبور می‌تواند به نسبت سهم هر کدام از صاحبان حساب برای مبلغی که پرداخته است به آن‌ها مراجعه کند. نباید تصور شود که مسئولیت صاحبان حساب در مقابل صادرکننده (وکیل) و حتی دارنده چک تضامنی است. زیرا اولاً در مسئولیت جمعی اصل، مسئولیت نسبی یا مشترک است و مسئولیت تضامنی جنبه استثنایی دارد. مسئولیت تضامنی در صورتی تحقق می‌یابد که نص خاصی اعم از قانون یا قرارداد به آن تصریح کرده باشد (فخاری، 1387، ص 57)؛ ثانیاً صاحبان حساب در فرض مورد بحث، امضاکننده چک نیستند تا مسئولیت تضامنی بین آن‌ها و دیگر امضاکنندگان سند مطابق ماده 249 قانون تجارت قابل تصور باشد.

### نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد معلوم گردید که نمایندگی در اعمال حقوقی اختصاصی به امور مدنی ندارد بلکه در عملیات تجاری و از جمله صدور، ظهنویسی و ضمانت اسناد براتی نیز قابل اعمال می‌باشد. قانونگذار تجارت ایران بدون اینکه آثار و احکام نمایندگی در امور مربوط به اسناد مزبور را بیان نموده باشد در ماده 227 قانون تجارت قاعده کلی را مبنی بر قبول نمایندگی در صدور برات به عنوان مهمترین سند تجاری ذکر نموده و در ماده 19 قانون صدور چک به یکی از مصادیق آن اشاره کرده است. این در حالی است که در پیمان‌های بین‌المللی ژنو و آنسیترا و حقوق برخی از کشورها مانند انگلیس و آمریکا با تفصیل بیشتری به این موضوع پرداخته شده و احکام آن بیان گردیده است. با وجود این و علی‌رغم اصل حاکمیت مقررات قانون مدنی در باب وکالت نسبت به موضوع نمایندگی در امضای اسناد براتی زمانی

که قانونگذار تجارت در این موضوع سکوت اختیار کرده باشد می‌توان گفت با توجه به اصول حقوقی و سایر مقررات حاکم بر اسناد براتی، چنانچه امضاکننده سند با داشتن نمایندگی در حدود اختیار عمل نموده و به موضوع نمایندگی و هویت اصیل یا موکل در هنگام امضای سند تصریح کرده باشد تعهد براتی ناشی از امضا متوجه اصیل یا موکل می‌باشد و نماینده مزبور مسئولیتی در این رابطه ندارد. برعکس، زمانی که نمایندگی در امضا وجود نداشته و یا نماینده خارج از اختیار عمل کرده باشد یا در هنگام امضای سند به موضوع نمایندگی اشاره نشده و نام منوب‌عنه ذکر نگردیده باشد مسئولیت یادشده متوجه امضاکننده سند می‌باشد. مبنای این حکم توجه به اعتماد دارنده سند به ظاهر آن و اعتبار و شهرت شخص امضاکننده می‌باشد. به علاوه تقویت اعتبار سند با عنایت به کاربردهای مهم آن در معاملات به ویژه معاملات تجاری از دیگر دلایل این حکم محسوب می‌شود. نباید تصور کرد که صرف اشاره به نمایندگی در امضای سند کافی برای توجه مسئولیت به اصیل است. زیرا با وجود این، دارنده سند نمی‌داند که مسئول اصلی سند چه شخصی است. آیا شخص حقیقی است یا حقوقی و تا چه اندازه دارای اعتبار می‌باشد. به همین ترتیب تصریح به نام منوب‌عنه نیز به تنهایی به لحاظ اهمیت امضا و امضاکننده در سند و ادعاهایی که ممکن است در مورد توجه مسئولیت مطرح شود کافی به مقصود نمی‌باشد.

این موضوع در حقوق آمریکا به عنوان امضای ناقص یا مغرضانه امضاکننده تلقی شده و وی را مسئول امضای سند دانسته است. به هر حال در موارد مذکور امضاکننده مسئول سند می‌باشد مگر اینکه دارنده سند آگاهی داشته باشد که امضاکننده به نمایندگی اقدام نموده است. نکته دیگر آنکه نمایندگی در امضای سند براتی اختصاص به مرحله تأسیس و صدور ندارد بلکه همانگونه که ذکر گردید در مرحله ظهنویسی و انتقال و حتی ضمانت آن نیز قابل اعمال می‌باشد. ضمناً در مواردی که نماینده واقعی یا ادعایی امضاکننده سند اقدام به پرداخت وجه به دارنده آن می‌نماید حق مراجعه خود را حسب مورد به شخص اصیل یا موکل حفظ نموده و یا به عنوان دارنده جدید سند دارای حقوق همان شخصی می‌گردد که از جانب وی مدعی نمایندگی بوده است.

با عنایت به آنچه ذکر گردید لازم است قانونگذار ایرانی به لحاظ اهمیت موضوع و برای جلوگیری از دعاوی احتمالی در این زمینه و نیز همگام با مقررات پیمانهای بین‌المللی و حقوق برخی از کشورها مقرراتی متناسب با موضوع در لایحه جدید قانون تجارت پیش‌بینی و به تصویب برساند تا نقیصه موجود مرتفع گردد.

## منابع و مأخذ

### الف - فهرست منابع فارسی

- اخلاقی، بهروز، (1370)، **جزوه درسی حقوق تجارت 3 (تقریرات)**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران.
- اسکینی، ربیعا، (1376)، **حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)**، تهران، سمت.
- امامی، سیدحسن، (1377)، **حقوق مدنی**، تهران، کتابفروشی اسلامیة، جلد 1 و 2.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (1379)، **مجموعه محشی قانون مدنی**، تهران، گنج دانش.
- راستین، منصور، (1353)، **حقوق بازرگانی**، تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران.
- ره‌پیک، حسن، (1390)، **حقوق مدنی، حقوق قراردادها**، تهران، خرسندی.
- ره‌پیک، حسن، (1387)، **حقوق مدنی، عقود معین (2)**، تهران، خرسندی.
- ستوده تهرانی، حسن، (1388)، **حقوق تجارت**، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر.
- شهیدی، مهدی، (1368)، **سقوط تعهدات**، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- صقری، محمد، (1380)، **حقوق بازرگانی (اسناد)**، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- فخاری، امیرحسین، (1387)، **اندیشه‌های حقوقی (3)**، حقوق تجارت، تهران، مجد.
- کاتوزیان، ناصر، (1379)، **قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی**، تهران، نشر دادگستر.

## ب - فهرست منابع لاتین

## • کتاب‌ها

- Kolasa, Blair J., (1978), **Legal Systems**, United States of America, Prentice Hall.
- Lowe, Robert, (1973), **Commercial Law**, Fourth Edition, London, Sweet and Maxwell.
- Mann, Richard A.; Roberts, Barry S., (2005), **Business Law and the Regulation of Business**, Eighth Edition, United States of America, Thomson.
- Roderick, Munday, (2010), **Agency Law and Principles**, New York, Oxford University Press.
- Smith, J. E.; Soberman, D. A.; Easson, A. J., (2007), **the Law and Business Administration in Canada**, America, Pearson, Toronto.
- Walker, David M., (1980), **the Oxford Companion Law**, America, New York.

## • پایگاه‌های اینترنتی قوانین خارجی و کنوانسیون‌های بین‌المللی

- Bills of Exchange Act 1982 in: [www.legislation.gov.uk/ukpga/vict](http://www.legislation.gov.uk/ukpga/vict).
- Convention on International Bills of Exchange and Promissory Notes 1988 in: [www.jus.uio.no/im/un.billsofexchangeand](http://www.jus.uio.no/im/un.billsofexchangeand).
- Convention Providing a Uniform Law for Bills of Exchange and Promissory Notes 1930 in: [www.jus.uio.no/im/billsofexchangeandpromissorynotes](http://www.jus.uio.no/im/billsofexchangeandpromissorynotes).
- Convention Providing a Uniform Law for Cheques 1931 in: [www.jus.uio.no/english/services/library/trea](http://www.jus.uio.no/english/services/library/trea).
- Uniform Commercial Code in: [www.law.cornell.edu/ucc/3/article3](http://www.law.cornell.edu/ucc/3/article3).